


## بانک توسعه جدید بریکس؛ تأملی بر عقلانیت نهادی و مجذوبیت کارکردی

حسین نوروزی 

گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: بریکس	نخستین ثمره سال‌ها گفتگو و مباحث انتقادی در اجلاس بریکس به منظور اقدام و نوآوری در فضای اقتصاد سیاسی بین‌المللی تأسیس بانک توسعه جدید بود که از سال ۲۰۱۵م کار خود را شروع کرد. این بانک عزم آن دارد که به اقتصادهای درحال توسعه و نوظهور منابع مالی و مساعدت‌های فنی عرضه دارد. در این مقاله، پاسخ به این سؤال دنبال شده است: بانک توسعه جدید بر مبنای کدام عقلانیت، انگیزه‌ها و اولویت‌هایی به ایفای نقش در نظام اقتصادی عالی بین‌المللی پرداخته است؟ فرضیه مقاله این است که بانک توسعه جدید بر مبنای عقلانیت نوآوری تکاملی و منبعث از قدرت اقتصادی با الگوی پوشش چهار وجهی ظرفیت-حق-وظیفه-اثرگذاری به ایجاد مرجعیت و مجذوبیت پرداخته است. این الگو برای حل مشکلات جهان درحال توسعه، توجه به اولویت‌های مبرم و بحران‌خیز (از جمله زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی و آثار تغییرات اقلیمی) نقشی مساعدتر از نظم جریان اصلی (نظام برترن وودز) داراست. روش پژوهش در این مقاله بر اساس رویکرد توصیفی، تفسیری و مفهومی در نظام اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. قدرت‌های مؤسس بریکس و بانک توسعه جدید تلاش دارند تا با عملکرد مثبت و سازنده خود در این نهادها و ساختارها، این ساختار جدید را در نظام اقتصادی-عالمی بین‌المللی برجسته کنند و پارادایم نهادی رقابتی و مدیریتی خود را در اداره امور بین‌المللی توسعه تثبیت کنند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱	
<b>واژگان کلیدی:</b> اداره امور جهانی توسعه، بانک توسعه جدید، بریکس، دیپلماسی، نهادهای اقتصاد سیاسی بین‌المللی.	

ارجاع به این مقاله: نوروزی ح. (۱۴۰۳). «بانک توسعه جدید بریکس؛ تأملی بر عقلانیت نهادی و مجذوبیت کارکردی». *مطالعات کشورها*. ۲(۲): ۲۹۹-۳۲۹. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2024.371704.1110>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: [jcountst@ut.ac.ir](mailto:jcountst@ut.ac.ir)

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰  
 ناشر: دانشگاه تهران

## ۱. مقدمه

رشد و توسعه یکی از دغدغه‌های کشورهای غیرصنعتی است. بخش مهمی از مشکلات کشورهای در حال توسعه ترکیبی از ناکارآمدی نظام مدیریتی، ضعف زیرساخت‌ها و مشکلات محیطی است. تعداد محدودی از کشورهای توسعه‌نیافته به موفقیت‌هایی دست پیدا کرده‌اند، ولی تعداد کثیری از این کشورها با مشکلات متنوعی درگیر هستند، اعم از فقر، بیکاری، نبود زیرساخت‌ها، اقتصادهای رانتهی، تولیدات محدود، نبود فناوری مناسب، فساد، بحران‌های اجتماعی و محیط‌زیستی. از نظر مبنایی، در کشورهای توسعه‌یافته مشکلات و نگرش به حل آن به‌گونه دیگری است، نه اینکه از این‌گونه مشکلات نداشته باشند. دهه‌ها مجادله‌های انتقادی جهان جنوب با کشورهای توسعه‌یافته، صنعتی و سلطه‌گر در مجامع و نهادهای بین‌المللی، از جمله در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، جریان داشته و هنوز هم جاری است. سیاست‌ها و رویه‌های تحمیلی قدرت‌های بزرگ هنوز هم به‌صورت‌های متفاوت و هم‌راستا با توانمندی، منابع و منافع ملت‌های توسعه‌نیافته نیست، اما این تمام ماجرا نیست. بدبختانه، بسیاری از این کشورهای توسعه‌نیافته، به دلیل نداشتن بن‌مایه‌های فکری، در جهت تحول‌آفرینی در اقتصاد سیاسی، الگوی حکمرانی و تعامل بهینه با محیط بین‌المللی، تن به تغییر و تحول نمی‌دهند. به عبارت دیگر، هم از عهده حل برخی مشکلات بر نمی‌آیند و هم منابع لازم داخلی و محیطی را نمی‌توانند در این راه بر هم منطبق کنند. در این جوامع شواهد نشان می‌دهد که موانع و مشکلات به تدریج، برهم‌تنیده شده و روزبه‌روز کار را سخت می‌کند و اراده‌ای برای تغییر نیست، مگر آنکه با اجبار و اکراه شرایط و عملکرد خود را عوض کنند. کمک‌های نهادهای اقتصادی سنتی هم چندان سهل و سازنده نبوده است.

در این عرصه، فضایی گشوده شده است که با ابتکار عمل قدرت‌های نوظهور و به‌طور مشخص اعضای بریکس، کشورهای در حال توسعه می‌توانند به بازپردازی نگرش و روش‌های خود بپردازند. از منظر جهان در حال توسعه، شکل‌گیری بریکس نقطه عطفی است در تعدیل نظام‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی؛ چراکه یکی از روندهای جدی در قدرت‌های نوظهور برای بیان اراده سیاسی-اقتصادی بین‌المللی در تحول نظم مسلط است. پژوهشگران به عزم قدرت‌های نوظهور برای تنظیم برنامه، ترسیم اهداف و فعالیت‌های بریکس با تبیین جدیدی از چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای، توجه بسیاری نشان داده‌اند. برخی پژوهشگران

تغییر و تحول سیاست بین‌الملل و رقابت‌های قدرت‌های بریکس و نهادهای آن از جمله بانک توسعه جدید را اقدام‌هایی موازی با نظم سنتی و تحت اداره قدرت‌های غربی و رویکرد بریکس را از نظر مبنایی سیاسی می‌دانند. برخی دیگر از متفکران، این نهادها و تأسیسات اقتصادی بین‌المللی را الزام‌های کارکردی جدید و جهانی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته محسوب می‌کنند که ممکن است از منابع و مساعدت‌های جدید آن برای حل مشکلات خود بهره‌ای ببرند.

بانک توسعه جدید یکی از این نهادهای نوپا و پرطرفیت است که در جهت اهداف عالی کار خود را آغاز کرده است. سؤال اصلی مقاله این است که بانک توسعه جدید بر مبنای کدام عقلانیت (در سیاست بین‌المللی)، انگیزه‌ها و اولویت‌هایی به ایفای نقش در نظام اقتصادی مالی بین‌المللی پرداخته است؟ فرضیه مقاله این است که بانک توسعه جدید بر مبنای عقلانیت نوآوری تکاملی و منبعث از قدرت اقتصادی با الگوی پوش چهاروجهی ظرفیت‌حق‌وظیفه‌اثرگذاری به ایجاد مرجعیت و مزدویت پرداخته است. این الگو برای حل مشکلات جهان در حال توسعه، توجه به اولویت‌های مبرم و بحران خیز (از جمله زیرساخت‌های اقتصادی اجتماعی و آثار تغییرات اقلیمی) نقشی مساعدتر از نظم جریان اصلی (نظام برتن وودز) داراست. سازماندهی این مقاله به این ترتیب است که پس از مرور پیشینه موضوع، در قسمت سوم به معرفی چارچوب مفهومی به‌عنوان نهادگرایی پرداخته شده است. در قسمت چهارم، به ایجاد بریکس و اهمیت آن اشاره می‌کنیم. چارچوب بنیانی و اصول کارکردی نهادی به‌نام بانک توسعه جدید به بحث گذاشته است. در پایان هم به نتیجه‌گیری از مباحث طرح شده می‌پردازیم.

## ۲. پیشینه

در سال‌های اخیر، آثار علمی متنوعی درباره اهمیت و ابعاد فعالیت‌های بریکس تولید شده است. در برخی پژوهش‌ها، به موضوع بانک توسعه جدید پرداخته شده است و متناسب با پیشرفت فعالیت‌های بانک، مباحث به تدریج بیشتر و جدی‌تر خواهند شد. در ادامه، برخی از این آثار علمی و پژوهشی ارزش‌مند را به اختصار مرور می‌کنیم تا شاید به کشف و تبیین زوایای دیگری از موضوع رهنمون شویم. الکسیا و بختیار در مقاله خود از رویکرد همکاری اعضای بریکس برای نیل

به چندجانبه‌گرایی واقعی در نظام اقتصاد سیاسی و بین‌المللی برای مشارکت مؤثر در امور مالی توسعه، به‌مثابه بدیلی بر نمونه‌های نهادی قبلی سخن به‌میان آورده‌اند. بریکس و بانک توسعه جدید سعی کرده‌اند برای تقویت جایگاه و عملکرد کشورهای در حال توسعه با ابزارهای مالی و فنی در راستای منافع مشترک اعضا بستری فراهم کنند؛ فرصتی که برای کشورهای در حال توسعه و نگاه مبتنی‌بر ارتقای کیفیت توسعه از طریق بریکس و بانک آن ایجاد شده است و برای اقتصاد و بازارهای در حال ظهور اهمیت اساسی دارد (Aleksia & Bakhtiar, 2023).

نایل دوگان و همکاران در مقاله‌ای راجع به بریکس و بانک توسعه جدید به‌موضوع قدرت ساختاری و اهمیت نظام چندجانبه‌تأمین مالی توسعه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل پرداخته‌اند. به‌نظر آن‌ها با ظهور بریکس تحولی در مباحث و مناسبات راجع به نظم در حال دگرگونی پدید آمده است که نقش نگاه ملی اعضای بریکس، در میان عوامل مختلف ایجاد دگرگونی در نظم اقتصادی بین‌المللی متغیر مهمی است. نویسندگان با تمرکز بر اهمیت قدرت ساختاری، این نهاد بین‌المللی و ارکان آن را واجد قدرت ساختاری برای تغییر در قواعد و هنجارهای بازی تلقی نمی‌کنند (Duggan et al., 2022).

باس هوئیجمائیرس به اهمیت نهادگرایی در سیاست و روابط خارجی پنج کشور بنیانگذار بریکس پرداخته است. به‌زعم وی، نقش این بانک در ایجاد مجاری جدید همکاری در مسیر توسعه کشورهای عضو و تثبیت آن در مناسبات و مبادلات بین‌المللی بسیار اساسی است. عضویت و ورود سایر کشورها هم به این بانک در روند گسترش همکاری و مناسبات مبتنی‌بر توسعه، اهمیت کار بانک را افزایش می‌دهد (Hooijmaaijers, 2022).

هونگ‌یینگ وانگ نقش محوری چین را در کشورهای عضو بریکس برای ایجاد دو نهاد مالی جدید بین‌المللی، یعنی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی<sup>۱</sup> (AIIB) و بانک توسعه جدید، مقایسه کرده است. فارغ از اینکه این اقدام چالش یا فرصتی در ساختار موجود نظام پولی و مالی بین‌المللی باشد یا نباشد، این دو نهاد تفاوت‌هایی با هم دارند و با ملاحظات و اهدافی مختلف و در شرایط ابهام و پیچیدگی در مناسبات سیاسی و اقتصادی پدید آمده‌اند (Wang, 2019).

آلمیدا و سیلوا به اهمیت شکل‌گیری ارتباط و تأثیر دوطرفه نهاد اقتصاد نوپدید بین‌المللی، که بانک توسعه جدید باشد، و شرایط محیطی بین‌المللی

1. Asian Infrastructure Investment Bank

پرداخته‌اند. از نظر این نویسندگان، طرح اصول، اهداف و مأموریت‌های بانک توسعه جدید یکی از ویژگی‌های مهم این بانک است. همچنین، هویت اقتصادی اعضای غیرمؤسس آن با امکان الحاق به این مجموعه، اهمیت دارد. بستر جدیدی که میان گروهی از کشورهای در حال توسعه در قالب همکاری جنوب-جنوب نام برده می‌شود، بخش دیگری از فرازهای تأکید شده در این مقاله است که در بستر جدید مبادلات اقتصاد سیاسی بین‌المللی شکل گرفته است (Almeida & Silva, 2018).

اندرو کوپر در مقاله خود به وجه ماهوی و ابتکاری بانک توسعه جدید بریکس اشاره می‌کند. از دیدگاه وی، این بانک، برخلاف بانک‌های توسعه‌ای بین‌المللی، حتی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی که به ابتکار چین شکل گرفته است، از نظر الگوی مشارکت مساوی میان مؤسسان بریکس جلب توجه می‌کند. از طرف دیگر، با وجوه نو در تأکید و توجه به مسائل مرتبط با توسعه کشورها و کمک به حل مشکلات کشورهای در حال توسعه مسیر مهمی را در پیش گرفته است (Cooper, 2017).

وانگ هونگ‌یینگ در صدد طرح و پاسخگویی به این مسئله است که آیا ایجاد و فعالیت بانک توسعه جدید برای سایر بانک‌های چندجانبه و توسعه منطقه‌ای مشابه و دارای اهداف و اصول مشابه، چالش‌برانگیز و تعارض‌آمیز خواهد بود؟ به نظر ایشان، بانک توسعه جدید ممکن است در جهت تکمیل و تعامل با بانک‌های سنتی فعالیت کند و برای آن‌ها نه تنها چالش‌برانگیز نخواهد بود، بلکه همکاری و هماهنگی هم خواهد داشت (Wang, 2017).

اولیور استانکل این نکته را شرح می‌دهد که چین در رأس کشورهای در حال ظهور اقدام به تأسیس نهادهای جدید بین‌المللی اقتصادی کرده است، از جمله بریکس، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و بانک توسعه جدید. او برای توضیح بهتر واقعیت پیچیده تحت تدابیر چین، در کنار یا در تقابل با نهادهای نظم لیبرال غربی، قالب مفهوم نهادی بین‌المللی را چارچوب‌بندی می‌کند. به نظر وی، اقدام چین و همکارانش در این نهادسازی‌های جدید، انجام‌دادن اصلاحاتی در نظم موجود برای تأمین بهتر منافع ملی و ارتقای جایگاه آن‌ها در نظام بین‌المللی است (Stuenkel, 2017).

مینگ لیو، با توجه به شرایط جدید اقتصاد جهانی، به نقش چین و روسیه در جایگاه پیشران‌های اصلی در ایجاد بستر و فضایی فراتر از چارچوب نظم اقتصادی غرب و آمریکامحور اشاره می‌کند. نگرش و موقعیت اقتصادی کشورهای

مؤسس بریکس در پیشبرد این نهادها به مجموعه‌ای از عوامل و محدودیت‌های داخلی محیطی آن‌ها همراه با طرز اداره بانک توسعه جدید بستگی دارد. کارکرد نهادینه این بانک آینده آن را در نیل به اهداف آن رقم می‌زند (Ming, 2016).

کاترین هاگستتler در بحثی پیرامون اهداف زیرساختی و توسعه پایدار بانک توسعه جدید، به اهمیت تلاش کشورهای قدرتمند بریکس اشاره می‌کند، ولی پذیرش و اقبال جهانی از این نهاد جدید بین‌المللی را منوط به عملکرد موفق آن می‌داند که در این کشورها اصولاً با هم ناسازگار است. بنابراین، هزینه‌های اجتماعی و محیطی این اقدام‌ها هم باید در نظر گرفته شود که کار سختی برای بریکس و این بانک در کشورهای هدف است (Hochstetler, 2014).

سیدسعید میرترابی و همکاران (۱۴۰۲) درباره نقش چین در ایجاد بریکس و تحول ترتیبات نهادی در روابط اقتصادی بین‌المللی، با رویکرد ابزاری و هنجاری چین و بنیانگذاران بریکس در عرصه رقابت‌های بین‌المللی بحث می‌کنند. به نظر ایشان، با توجه به بروز مشکلات و موانع مهم در کارکرد نظم سنتی یا برتن وودز و بحران‌های مختلف اقتصادی و مالی که اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار داده است، این قدرت‌های نوظهور با همکاری و نهادسازی در برابر نظم اقتصادی لیبرال درصدد بهبود موقعیت و منافع ملی خود هستند. جذب کشورهای دیگر و درحال توسعه موسوم به «بریکس پلاس» هم بخش دیگری از این فرایند است. حمیدرضا کریمی و همکاران (۱۳۹۸) تلاش چین را برای شکل دادن به زنجیره ارزش جهانی چین محور بنیاد این رقابت و نهادسازی در قبال قدرت آمریکایی و نظم لیبرال می‌دانند. از دیدگاه آن‌ها ابتکار کمربند و راه، بریکس، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و بانک توسعه جدید در این راستا در خور توجه است.

رضا موسی‌زاده و بهنام خسروی (۱۳۹۴) با معرفی زمینه‌ای برای حضور و مشارکت قدرت‌های نوظهور در عرصه بین‌المللی، چرایی اقدام آن‌ها را برای نهادسازی در فضای بین‌المللی بررسی کرده‌اند. آن‌ها بر این نظر هستند که قدرت‌های نوظهور بر مبنای توان و ظرفیت‌های اقتصادی جهانی مکتسبه و نارضایتی از قواعد و ترتیبات مبتنی بر نهادگرایی چندجانبه در اقتصاد جهانی، درصدد کسب موقعیت و تولید قدرت برای خود با نهادهای جدید هستند. بریکس و نهادهای همسو با آن نشانه این شرایط و تلاش این کشورها برای تحول در عرصه بین‌المللی است.

همان‌طور که ملاحظه شد، متفکران و پژوهشگران مختلف از منظرها و محورهای متنوعی که بیشتر ناظر بر خود بریکس بوده است، به بیان دیدگاه خود و تحولات شرایط عینی در عرصه بین‌المللی پرداخته‌اند. در این پژوهش تلاش شده است بر مبنای الگوی جدیدی از بینش و روش کارکردی، چرایی و چیستی عملکرد یکی از نهادهای بریکس، یعنی بانک توسعه جدید، تبیین شود تا شاید گامی کوچک باشد برای درک بهتر این موضوع.

### ۳. چارچوب مفهومی؛ روند تحول نهادها و شاخه‌ای شدن نظم

نظم با نهادسازی قرابت دارد. الگوهای مختلفی از نهادها ممکن است در خدمت نظم‌سازی در فضای بین‌المللی به کار آید. هریک از نهادهای بین‌المللی ویژگی‌های خاص خود را داراست که از موارد اقتصادی، فرهنگی و امنیتی تا موضوع‌های دیگر تنوع دارد. با توجه به نقش عوامل سطح بین‌المللی تا سطح ملی، متغیرهای بسیاری قابل تشخیص و تبیین است. بنابراین، در مطالعات پژوهشی نیز به این موضوع در بستر جریان تأثیر رفت‌وبرگشتی از پویای متغیرهای سیاست بین‌المللی، نهادها و دولت‌ها توجه شده است؛ مثل مباحث درون سازمان ملل متحد و ارکان آن یا نهادهای برتن وودز و حتی اوپک که پیچش ملاحظاتی از توازن نیروهای سیاسی، قواعد حقوقی و رویه‌های سازمانی به‌شدت بر کارکرد آن‌ها اثر می‌گذارد (Martin & Simmons, 1998: 735-736).

درباره زمینه‌ها و متغیرهای دخیل در شکل‌گیری و تحول نهادهای بین‌المللی، به‌خصوص در قالب اقتصاد سیاسی بین‌المللی، نظریه‌پردازانی نظیر میترا، کراسنر، روزنا، نای، کوهین و دیگران ارتباط مسائل سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. کوهین منظرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در شکل‌گیری و تحول نهادها تبیین کرده است (Keohane, 1988). در این میان و بی‌تردید، مهم‌ترین عنصر، متغیر قدرت و نگرش قدرتمندان برای الگوی اداره امور است. در تغییر و تحولات کلان پایه در سیاست بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ کارگزاران اصلی تأسیس نهادها هستند که در اداره امور جهانی نقش برجسته دارند. معمولاً تجمیع توانمندی‌های یک یا چند قدرت بزرگ عامل مهم ایجاد، تداوم، تبلیغ یا برعکس تضعیف آن نهاد است تا موقعیت و اولویت‌های خود را در طرز اداره امور بین‌المللی تثبیت و مسیر نظم را مشخص کند. در شرایط دگرگونی در نظام اقتصاد و سیاست جهانی، قدرت‌های

نوظهور با ائتلافی سیال ولی هدف‌مند، مسیر جدیدی را زیرسازی و (با جذب کشورهای دیگر) شانه‌سازی می‌کنند تا در اذهان و انظار جامعه بین‌المللی، حاشیه امن سیاسی و هنجاری را هم در اختیار داشته باشند. بنابراین، از منظر سیاسی و بین‌المللی، هر نهادی نماد نیز محسوب می‌شود.

در ساخت‌شناسی معادلات سیاست بین‌المللی، مجموعه ملاحظات نوپردازانه‌ای در شکل‌گیری نهاد بین‌المللی تصویر می‌شود. مهم‌ترین نشانه‌ها، روندها و فرازها را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. هر نهادی نماد استعداد و توانمندی جدیدی از مصادیق مختلف قدرت است.
۲. هر نهادی نماد آگاهی جدیدی است.
۳. هر نهادی نماد اراده‌ای جمعی برای تغییر و تکامل شرایط تعامل است.
۴. هر نهادی نماد مرحله‌ای از رشد و تحول نسبی برای عادلانه‌کردن دستاوردها در اداره امور جمعی است.
۵. هر شکوفایی شاخه‌ای و خوشه‌ای در نهادها نماد نوآوری برای بن‌بست‌شکنی در مشکلات و تحکیم بنیان‌های اصولی و روش‌مند جامعه جهانی است.
۶. هر نهادی نمادی از تلاشی دیپلماتیکی در فضا سازی برای گسترش بازی(ها) و ایجاد توازن جدید بین‌المللی در روند مسالمت‌آمیز رقابت‌ها برای قدرت است.

باری، نهاد با سیاست‌بازی عجین است. هر نهادی مجموعه‌ای است از اصول و قواعد رفتاری در جهت تأمین منافع مشترک، اما نه لزوماً برابر میان مشارکت‌کنندگان. نکته بعد اینکه هر نهاد و نظامی بافت اجتماعی هم هست که بر اساس شکل‌گیری معنا و منطق هم‌بستگی در آن جامعه، امکان شکوفایی پیدا می‌کند تا در جهت اهداف عالیه - مثل امنیت، رشد، توسعه، عدالت و برابری - خدمات‌رسانی کند.

در درون نهادها، روند مجادلات سیاسی رهبران قدرت‌های چالشگر در لزوم اصلاح و ایجاد فضایی جدید، معمولاً به ترتیب زیر بیان شده است و با اقدام‌های دیپلماتیکی به‌طور فراگیر و جهانی پردازش و پیگیری می‌شود:

۱. رسوب ذهنیت منفی به رابطه برتر-فروتر در درون نهادها
۲. کاهش رضایت کنشگران کم‌برخوردار از نهادها و شرایط موجود در اداره امور

بین‌المللی



۳. رشد نیازها و تنوع تقاضا برای منابع مختلف به منظور برخورداری همه از فرصت‌ها و امکان کنشگری فعال
۴. تشدید نگرانی در مواقع بروز بحران‌های مختلف در نظام نهادی و مبادلات بین‌المللی
۵. افزایش عدم تعادل در تقسیم کار مناسب و توزیع متوازن منابع بین‌المللی
۶. رشد پویای جدید قدرت اقتصادی و توانمندی چند کنشگر فعال
۷. اراده و فشار دیپلماتیکی و مذاکراتی کنشگران توانمند برای کسب سهم مؤثر و ایفای نقش تعیین‌کننده در اداره امور
۸. راه‌اندازی دیپلماسی گفتگوهای انتقادی، مشورتی و ایجاد مجذوبیت در مدارهای کوچک و بزرگ با کنشگران سطح دوم
۹. مذاکرات هماهنگی و مرحله‌بندی فعالیت جدید شبکه‌سازی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین‌المللی
۱۰. سیاست گسترش نهادی با جذب کنشگران نیازمند و هم‌فکر از مناطق مختلف.

با این وصف، اهمیت نهادگرایی در امور اقتصاد سیاسی بین‌المللی بسیار حیاتی است و در دو سده گذشته نیز بیشتر نهادها در حوزه اقتصادی به شکوفایی رسیده‌اند. نهادگرایی از منظر اقتصاد سیاسی بین‌المللی مثل پل‌سازی است که در تسهیل مسیر تمام ارتباطات و پیوندها ظرفیت بالایی برای مبادلات بین‌المللی دارد و آثار مثبت چندسویه به بار می‌آورد. فعال‌سازی دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح دوجانبه، و ائتلاف‌سازی در ترتیبات منطقه‌ای و ظرفیت‌سازی در مجامع بین‌المللی از ضرورت‌های روز دیپلماسی اقتصادی است (ر.ک. نوروزی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۷).

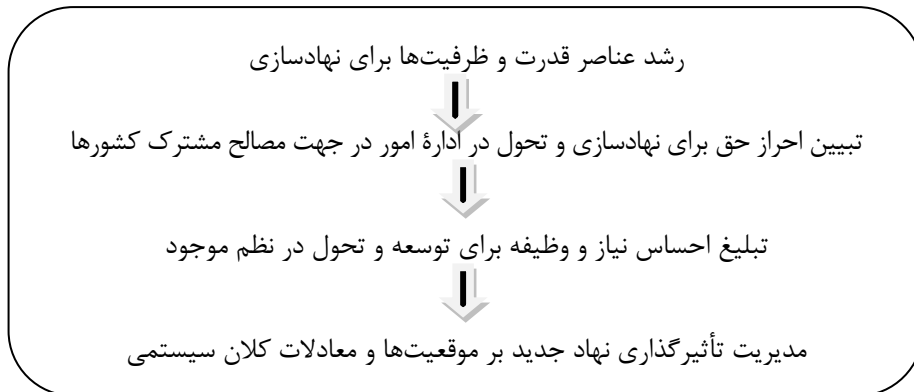
در این میان، مهم‌ترین رکن و ابتکار راهبردی در رقابت قدرت‌های بزرگ، شاخه‌ای کردن نهادهاست. قدرت‌های بزرگ و دارای قابلیت‌های ویژه اقتصادی، مسیر نهادسازی را تعریف و تسطیح می‌کنند. در فضای امروزین بین‌المللی، این پویای در حوزه کاری قدرت‌های نوظهور هم قرار گرفته است که با شاخه‌ای کردن نهادگرایی در نظم جریان اصلی، برای خلق نهاد و الگویی از قدرت مبادلات اقتصادی خود، به سازماندهی ایده‌ها و نیروهای خود می‌پردازند. این تلاش سترگ و کار ژرف، در برابر مشکلات و موانعی است که سال‌هاست نظم جریان اصلی (لیبرالی آمریکامحور) به آن پاسخ بهینه نداده است.

در دو دهه اخیر، نهادهای جدید به شکل منطقی و مبنایی و منطبق با اصول و نظام اقتصاد بازار، تصمیم گرفته‌اند با نوآوری مشکلات را با هزینه‌های کم و مسالمت‌جویانه حل کنند. ظرافت کارهای جدید به‌ویژه در چین این است که در مرحله نخست، ثبات عمومی و نظم بنیادی از هم گسیخته نشود. در این راستا، به تعبیر فرهاد قاسمی (۱۴۰۲: ۱۲۳-۱۲۴): «ثبات ساختاری از مفاهیم بنیادی در نظریه شاخه‌ای شدن است. زمانی سیستم داراری ثبات ساختاری است که دگرگونی در شرایط نخستین، مایه دگرگونی ساختی سیستم نشود و شاخه‌های نظم به صورت موزون رشد کرده باشند. سیستم‌های بین‌المللی زمانی که فشارهای ساختاری بر آن‌ها افزایش یابد ریخت و سازه آن‌ها نیز دگرگون می‌شود. این دگرگونی هرچند نشان‌دهنده بی‌ثباتی است، اما سیستم بین‌المللی از همین گذرگاه به چرخه نوینی از ثبات وارد می‌شود.»

در راستای تقویت متون پژوهشی درباره موضوع مورد بحث، بر آن شدیم که از الگوی مفهومی جدیدی استفاده کنیم تا امکان درک تحولات نهادی جدید بیشتر فراهم شود. نهادسازی بین‌المللی کاری پیچیده و چندوجهی است. این موضوع در عرصه اجتماعی بین‌المللی با ترکیب نیروهای اقتصادی و سیاسی در چهار بعد بیان و اجرایی می‌شود و کاملاً طبیعی، هدفمند و هوشمند است، چون از برونادهای طبیعی قدرت اقتصادی است. این چند بعد را می‌توان در بسترهای زیر در نظر گرفت:

۱. ظرفیت (قدرت) داشتن؛ اعم از اقتصادی، اجتماعی، فناوری و حتی تاریخی-تمدنی
۲. محق بودن به ایجاد تغییر با تأسیس نهادی جدید
۳. احساس وظیفه برای ایجاد نهادی جدید در راستای نظم و خیر عمومی جهانی
۴. تأثیر گذاشتن بر رفتارها، موقعیت‌ها و معادلات راهبردی رقبا و نظم جاری.

در سپهر جهانی شدن، این درهم‌تنیدگی عناصر و متغیرها نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌تر و چندبعدی شده است. سختی و پیچیدگی ورود سیاست در تمامی لایه‌های روابط اجتماعی ملی و بین‌المللی امری بدیهی است. این پیچش و پویا در حوزه‌های اقتصاد سیاسی بیشتر ملموس و مؤثرتر است. نکته دیگر اینکه روان‌سازی مبادلات اقتصاد سیاسی بین‌المللی بدون نهادسازی تقریباً ناممکن است.



منبع: نویسنده

شکل ۱. روند مفهومی تحول نهادی به صورت شاخه‌ای در سیاست بین‌المللی

ایجاد هر نهاد و سازمان جدیدی نشانه‌ای از تلاشی هدف‌مندانه برای تغییر و توسعه در اداره امور کلان و نیمه‌کلان است که در مراتبی از همکاری میان واحدهای مختلف (با الگوها و ترکیب‌های متنوع) در جامعه بین‌المللی اراده و عرضه می‌شود. نهادها در قالب‌های محدود تا گسترده و جهانی، بر مبنای نیازها، پویای قدرت و ایجاد مدارها و مجذوبیت‌های موضوعی شکل می‌گیرند، تغییر پیدا می‌کنند و تکامل می‌یابند. درباره بانک توسعه جدید می‌توان به قول نایل دوگان و همکارانش گفت که نهاد جدید مجموعه‌ای است از آورده‌های سه‌گانه مادی، موقعیتی و انگاره‌ای به جامعه. بانک بریکس قدرت ساختاری به بریکس اعطا می‌کند (Duggan et al., 2022: 500-502).

ملاحظه می‌کنیم که در عرصه بین‌المللی، هم برای خدمت به اهداف عالی جامعه بین‌المللی در تقویت نظم و نهادها، و هم داشتن قدرت، حس داشتن حق و تبلیغ، احساس وظیفه و اقدام برای به نمایش گذاشتن این اراده، فوق‌العاده اساسی است. باین‌همه، عملی کردن این رویکرد به فناوری سیاسی دیپلماتیکی نیاز دارد تا هدف‌مندی و هوشمندی آن برای انتظارات طراحی شده به ثمر بنشیند و در معادلات سیاسی-اقتصادی اثرگذار و قابل تنظیم باشد. در فرایند دیپلماسی و مذاکرات بین‌المللی، این عقلانیت به ارتقای موقعیت، نقش، کیفیت قدرت و ثبات معادلات در جهت کنترل (البته نسبی) امور بین‌المللی معطوف است که با یک یا چند طرحنامه پیش برده می‌شود. عامل تعیین‌کنندگی در این دیپلماسی کلان و جهانی بر اساس قدرت اقتصادی تجمیعی بنیانگذاران بریکس اهمیت مبنایی داشته است. این ظرفیت و پیشران برجسته را در شکل‌گیری بریکس و نهادهای

آن به روشنی ملاحظه می‌کنیم. این روند در نهادهای اقتصادی بین‌المللی به‌طور دولایه (ابتکاری-تکاملی) رخ داده است که ما از آن با عنوان «شاخه‌ای شدن نظم» یاد می‌کنیم که هم در راستای اهداف چارچوب جریان اصلی (لیبرالی آمریکامحور) است و هم گامی ابتکاری برای نشان دادن تشکلی با قدرت جدید ولی با الگوی جدیدی از رفتارهای سیاسی-اقتصادی. بریکس، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و بانک توسعه جدید را می‌توانیم از این منظر در بطن این تحول روش‌مند در نظر بگیریم.

#### ۴. پدیدارشناسی بریکس؛ بافتی برجسته در معماری اقتصاد سیاسی بین‌المللی

فهم فرایند تحول در عناصر، ابزارها، نگرش‌ها، سیاستگذاری و نظم‌ها در سیاست بین‌الملل، بخش مهمی از شکل‌گیری دانش و ابزار تبیین تحولات در امور، مناسبات و نقش‌هاست. واکاوی تغییر و تحول در مؤلفه‌های عینی-فکری اثرگذار در روابط میان دولت‌ها، به‌آرامی (در حالت خوش‌بینانه) به اقدام‌هایی مبتنی بر دگرگونی در قدرت، موقعیت کنشگران، اصول نظم و موازین نو، الزاماً به روند مدیریت و فرایند معادلات کلان کشیده می‌شود. این روند را می‌توان در صحبت‌ها، بیان دیدگاه‌ها، انتقادها، همایش‌های سران دولت‌ها، صدور بیانیه‌های سیاسی و دیپلماتیکی، شکل‌گیری نهادها و ترتیبات دوجانبه تا چندجانبه ملاحظه کرد تا در شناخت مسیرهای مایل به تغییر و تحول چه در روابط و چه در ضوابط بین‌المللی رهجویی و بررسی کرد.

نظام اقتصادی برتن وودز ساختاری برای نظم و ثبات در مناسبات و مبادلات اقتصادی تعریف و طراحی شد، اما شرایط نامنتظمی از قواعد نابرابر، غرب‌محور و مبتنی بر همکاری منوط به تأییدهای قدرت‌مندان، نوسازی اجبارگونه، همچنین تحت کنترل قدرت‌ها قرارگرفتن را بازتاب می‌داده است. کشورهای همسوم به جهان سوم هیچ حرفی برای گفتن نداشتند. این کشورها را امروز در حال توسعه خطاب می‌کنند. بنابراین، این کشورها با موقعیت فرودست با بسیج اراده‌های سیاسی از دهه ۱۹۶۰م رویکرد انتقادی خود را به صورت‌های مختلف در مجامع و نهادهای بین‌المللی بیان می‌کردند، ولی گوش غرب به این مباحث در مدار بی‌اعتنایی چرخیده است. انتقاد به شرایطی از نابرابری، ناهم‌رنگی و سلطه اقتصادی قدرت‌های بزرگ در روابط دوجانبه و چندجانبه که برای جهان سومی‌ها

و حتی شوروی در دوره جنگ سرد طاقت‌فرسا بود الگوی ثابت اجباری و اکراهی را به نمایش گذاشته است. این بسترها برای ایجاد توازن در موقعیت‌ها و توانمندی‌ها باید تعدیل می‌شد (ر.ک. نوروزی، ۱۳۸۸: ۲۷-۳۴).

مسیر و فضای اقتصاد جهانی در اواخر جنگ سرد رو به تغییرات اساسی گرایید. ژاپن قدرت اقتصادی مقتدر و باکیفیتی در عرصه جهانی شده بود. اتحادیه اروپا به سرعت در حال توسعه و تعمیق هم‌گرایی بود، ولی خلاف منویات آمریکا نمی‌توانستند گفتار داشته باشد و گامی بردارد.

نکته دیگر اینکه شکل‌گیری فضایی از رشد و تحول جامعه بین‌المللی که با سردمداری آمریکا و عاملیت شورای امنیت و سازمان ملل متحد جهان را در تنگنا قرار داده بود از یک طرف، و تبلیغ الگوی لیبرال دموکراسی و توسعه‌گرایی مبتنی بر حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست، تأسیس سازمان جهانی تجارت و نظایر آن برای دولت‌هایی مثل چین و روسیه هشدارهایی در بطن خود داشت. شکل‌گیری سازمان جهانی تجارت، شروع بحرانی دور مذاکرات دوحه، عضویت چین در این سازمان، ظهور پوتین در روسیه و بروز بحران‌های کوچک و بزرگ در روابط بین‌الملل در راستای دور جدید رقابت، برای بازتنظیم روش‌مند بود. تلاش‌های چندساله چین با گروه ۷۷ و پس از طرح اجماع پکن در برابر الگوی غربی ردپایی از این ادراک و اراده نو را ایجاد کرد. انباشت سرمایه و قدرت اقتصادی چین به مرور این پویا را قوت می‌بخشید که نخستین تاروپوهای بافتی برجسته را در نقش و نظام اقتصاد جهانی، عملیاتی کرد. گلوگاه‌های مهم در این روند، نهادهای معروف و متولی امور اقتصاد بین‌المللی، یعنی صندوق بین‌المللی پول و گروه بانک جهانی، در معرض این تحولات جدید قدرت قرار گرفتند. اساس و اصول این نهادها بر مبنای قدرت اقتصادی رژیم‌سازی شد و همواره محملی برای تقابل دو گروه توانمندان و ناتوانمندان بود. این نهادها در هفتاد سال گذشته جرح و تعدیل‌های مختصری در کار خود داشته‌اند، ولی برای برخی قدرت‌های در حال خیز و سایر هم‌فکران آن‌ها کافی نبوده است و از آن رضایت نداشته‌اند.

قابل ذکر است که کارکرد نهادهای اقتصادی-سیاسی بین‌المللی در میان دو الگوی دولت‌محور و بازارنگر جریان دارد و قوام می‌یابد. به همین دلیل است که معادلات و ابزارهای بین‌المللی معطوف به حفظ نظم اصلی و هم‌زمان تداوم سخت‌گیری‌ها برای اصلاح رفتارهای بخش دولتی است. در کنار این روند، نهادها با

مقدمات و مقدمات شرایط حال تا آینده بازپردازی می‌شود و تقابل قدرت‌ها به‌مرور آن را در بستر فشار، تغییر و فرسودگی قرار می‌دهد. کارکرد بنیادین نهادهای سازمان ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول و گروه بانک جهانی در هفتاد سال گذشته این الگو را نشان می‌دهد. تقابل سیاسی قدرت‌ها و فشارهای رفت‌وبرگشتی بین حمایت‌گرایی بازارگرایی در درون این نهادها مهم‌ترین روندهای چالشی است. نگرش و جایگاه دولت‌ها بنا بر رژیم پولی بین‌المللی صندوق دچار تغییر و تحول است؛ حتی در آمریکا، به‌ویژه با تحول در نقش و نگرش به حق برداشت مخصوص و سبب ارزی آن بر مبنای ارزش‌های قوی غربی و ژاپن، در سال‌های اخیر ارز ملی چین هم ورود داده شده و تا حدودی بر معادلات اثر گذاشته است.

اگر به عقب برگردیم، در روند عضویت چین، خلق چین به‌جای جمهوری چین تایپه و توافق‌های لازم در جایگزینی نظام سیاسی سرزمین اصلی به‌جای تایوان هم داستانی سیاسی دیپلماتیکی داشت. حدود سه دهه از ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹م دولت چین کمونیست در این نهادها دخیل نبود. از اواخر دهه ۱۹۷۰م و از زمان معاونت صدر دنگ شیائوپینگ بود که حضور و فعالیت چین جدی و عملی شد. رویکرد چین از آن دوره نگاه فراگیر اقتصادی-سیاسی بود تا بتواند در جامعه بین‌المللی و نهادهای اصلی آن جذب و شناسایی شود و جایگاهی در اختیار داشته باشد (Boughton, 2001: 976-980). صندوق بین‌المللی پول در تبیین تحول عملکرد خود به‌مثابه ابزار جامعه بین‌المللی در تدبیر و تسهیل امور مالی و پولی میان دولت‌های عضو، چه در دوره جنگ سرد و چه در دوره بعد از جنگ سرد، از عقلانیت عمومی در جهت تحکیم اقتصاد بازار و تجارت بین‌المللی دفاع کرده است (Bordo & James, 2000: 26)؛ اما، همچنان مورد نقد و با چالش‌هایی مواجه بوده است. تلاش حداکثری صندوق پس از جنگ سرد و بحران‌های بدهی مکزیک، آرژانتین و حتی جنوب شرق آسیا (در ۱۹۹۷م) در نقش خود به‌عنوان ناظر، تسهیلگر، کنترل‌کننده و هماهنگ‌کننده مبادلات مالی با وام‌گیرندگان به برخی اصلاح‌های شکلی انجامید، ولی کافی نبود و بیشتر منتقدان از آن رضایت نداشتند. بنابراین، مطالبات مستمری از سوی این کشورها برای تعدیل و اصلاحات نهادی در جریان بوده است. گروه ۲۰ هم در این شرایط شکل گرفت و از نهادهای کلان اقتصادی در هماهنگی امور جهانی میان قدرت‌های بزرگ اقتصادی شد، اما افق چندانی را برای کشورهای در حال توسعه روشن نکرده

است. به قول سارکار، صندوق بین‌المللی پول موقعیت‌های جدید اقتصادی، تجاری، پولی و مالی حداقل قدرت‌های نوظهور را هم نادیده انگاشته و این تضعیف در درازمدت بوده است (Sarkar, 2016: 91-93). بحران مالی و اقتصادی جهان، نقطه آغاز جدی قدرت‌نمایی اقتصادی بریکس بود. قدرت‌های نوظهور با توجه به اثرپذیری کمتر از این بحران، خواهان ارتقای جایگاه سیاسی و اقتصادی خود در مدیریت جهان هستند. ایجاد ثبات در اقتصاد جهانی با کمک بریکس و تقویت مواضع آن در نهادهای پولی و مالی جهانی، زمینه را برای بازتعریف روند قدرت در جهان فراهم می‌کند (موسی‌زاده و خسروی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

نقد و نغمه‌های مختلفی در عرصه بین‌المللی در هزاره جدید به‌تدریج در لحن و پیام رهبران و مقامات قدرت‌های نوظهور به‌شدت تکرار می‌شد. بروز مشکلات جدید در اقتصاد سیاسی کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه مشکلات محیط‌زیستی و خطرهای آلودگی در کشورها، باعث شد کشورهای مثل چین، روسیه، برزیل و هند تحت فشارهای مذاکره‌ای و حقوقی با کشورهای توسعه‌یافته باشند. به‌همین دلیل، رویکردهای نزدیک به دیپلماسی و مذاکرات بین‌المللی را شروع کردند (Hochstetler, 2014: 4).

در سال ۲۰۰۶م، جلسات منظم دیپلماتیکی چین، روسیه، هند و برزیل در سازمان ملل متحد کلید خورد و از موضعی مشترک برای تغییر و تحول در امور جهانی با هم مذاکره کردند (Ming, 2016: 444). متعاقب بحران اقتصادی مالی سال‌های ۲۰۰۷م به بعد، شرایط نگران‌کننده‌ای در اقتصاد دولت‌های متأثر از بحران پدید آمد و آشفتگی فضای بین‌المللی، نهادهای مسئول هماهنگی امور مثل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و گروه ۷ و گروه ۲۰ هم مانند گذشته هر یک از منظر خود به مدیریت فضای بحرانی نگریسته‌اند. صندوق بین‌المللی پول شرایط پولی در اقتصاد جهانی را یک دهه بعد از بحران مالی ۲۰۰۷م آسیب‌پذیر توصیف کرده است که باید اقتصادهای ملی به سمت تاب‌آوری پیش بروند و سیاستگذاران باید به خطرهای سیستمی بالقوه و سیاست‌های همکاری چندجانبه برای حفاظت از ثبات مالی جهانی توجه داشته باشند (IMF, 2018: 30-33)، چراکه ممکن است بحران‌های سیاسی-اقتصادی دیگری از بطن این شرایط شکل بگیرد.

به این ترتیب، بریکس بر ایند چنین آشوب و تلاطمی است. بریکس نهادی نخبه‌گرایانه و مجمعی از کشورهای پیشرو در دیپلماسی اقتصادی و توسعه در

ظرف بین‌المللی است. پنج کشور مؤسس بریکس- چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی- در میانه منافع و معادلات سیاسی-اقتصادی در سیاست جهانی سودای مشارکت در سطح بالای اداره امور بین‌المللی را دارند و مدل‌های کوچکی از این علاقه و اراده خود را در نهادهای بین‌المللی به شکل‌های مختلف بازی کرده‌اند. بریکس شاخه‌ای متصل ولی متفاوت از جریان اصلی نظم اقتصادی (غرب‌محور) در معماری سیاست و اقتصاد بین‌المللی است که به‌مثابه بافتی برجسته لحاظ می‌شود؛ یعنی، هم در راستای اصول و موازین منطقی و مناسب نظم جاری و اقتصاد بازار است، و هم نوآوری و مسیر جدایی از سلطه و کنترل آمریکایی و لیبرالی برای جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است. این بافتار قدرت پنج ضلعی هسته اصلی صدای جهان در حال توسعه را بازتاب می‌دهد که به نمایندگی از نگرش دولت‌های نواحی مختلف جغرافیایی، پیکره جدیدی از ترکیب و تراکم قدرت در عرصه رقابت‌های بین‌المللی را سازماندهی کرده است. نگرش انتقادی این گروه بلندنگر با تشکیل بریکس تریبونی در راستای جلب توجه خود برای کشورهای جنوب برای تشکیل نهادی نو و تمهیداتی هنجارگذار به‌منظور تعدیل سیاست‌ها و مواضع قدرت‌های رقیب در مجامع بین‌المللی است.

یکی دیگر از دلایل رویکرد جمعی قدرت‌های نوظهور به نهادگرایی، سیاست‌های ناگهانی و تخریب‌گرانه آمریکا و به‌طور مشخص با افرادی مانند ترامپ در عرصه جهانی بوده است که تمام دستاوردهای چندجانبه‌گرایی جامعه بین‌المللی را به تمسخر گرفته است. به‌بیانی دیگر، «سیاست‌های نومرکانتیلیستی، توجیه اقدام‌ها به بهانه کاهش هزینه‌ها، تجدیدنظر در ترتیبات منطقه‌ای، خروج از پیمان‌ها و تضعیف سازمان‌های بین‌المللی» (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۰-۳۸۱) در دهه اخیر از جمله موارد نگرانی، چالش و نااطمینانی قدرت‌های نوظهور از شرایط بین‌المللی محسوب می‌شود. در این شرایط بود که کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی در لوای تشکلی سیاسی-اقتصادی، قدرت‌های نوظهور موسوم به بریکس را شکل دادند.

اگر بخواهیم نگرش ژرف به رویکرد بریکس را خلاصه کنیم، مهم‌ترین محورهای مذاکرات و گفتمان بریکس بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۳ را می‌توان به‌ترتیب زیر مفهوم‌بندی کرد:

۱. لزوم بهبود امور توسعه‌ای در جهان
۲. لزوم تقویت چندجانبه‌گرایی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی



۳. لزوم بهبود نظام مالی بین‌المللی در جهت منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه

۴. تقویت کمک به کشورهای در حال توسعه برای ترمیم و نوسازی زیرساخت‌های اقتصادی

۵. کمک به کشورهای در حال توسعه با همکاری‌های فنی و فناوری‌های جدید

۶. ارتقای زیرساخت‌های کشاورزی، نظام آبیاری، عرضه، حمل‌ونقل، توزیع و ذخیره محصولات مورد نیاز با هدف امنیت غذایی و استانداردهای زیست‌انسانی

۷. بهبود مبادلات فناوری و تجاری در موضوع سوخت‌های زیستی پایدار

۸. همکاری در مشترک‌سازی تجربه‌ها و رویه‌های کارآمد در سیاست‌های عمومی و اقتصادی جهان در حال توسعه

۹. مساعدت‌های مالی و تجهیز فنی به کشورهای نیازمند، برای دستیابی به اقدام‌ها و ابزارهای تطبیق شرایط خود با مقتضیات جدید جهانی، با هدف به حداقل رساندن آثار منفی تغییرات اقلیمی بر خود (BRICS, 2023).

از طرف دیگر، با محکم شدن جای پای بریکس، گام‌های دیگری هم برداشته شد. در این میان، راهبرد جهانی چین برای نوآوری و نهادسازی در قالب‌های مختلف یکی پس از دیگری رونمایی می‌شود. دو طرح کلان جهان‌روا، یعنی ابتکار کمربند و راه و سپس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی، آنچنان پژواکی ایجاد کرد که جهان غرب و متحدانش غافلگیر شدند. مجموعه اقدام‌های چین با این فرصت و قدرت شکوفاشده به خوبی کارساز شد تا با هدف تداوم رشد و جهش خود، شرایط اقتصاد و توسعه در کشورهای در حال توسعه را هم تا حدودی تغییر دهد و از ره‌آوردهای آن استفاده کند. (ر.ک. Noroozi, 2021).

۵. بانک توسعه جدید؛ کارگزار تسهیل توسعه در اقتصاد کشورهای جنوب

نظام پولی و مالی بین‌المللی از بسترهای مهم و حساس معاصر در روند توسعه و همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی است. شاید این سؤال مطرح شود که با وجود نهادهای جریان اصلی برتن وودز، یعنی صندوق بین‌المللی پول و گروه بانک جهانی (بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، مؤسسه بین‌المللی توسعه، شرکت مالی بین‌المللی، مؤسسه بین‌المللی تضمین چندجانبه سرمایه‌گذاری و حتی مرکز حل

اختلافات سرمایه‌گذاری موسوم به ایکساید) از یک طرف، و بانک‌های توسعه منطقه‌ای، چه نیازی به تأسیس بانک بریکس بوده است. نکته در ملاحظات سیاسی، موقعیت آمریکا و هم‌فکرانش در آن نهادها و استفاده ابزاری برای کنترل رقبا و هدایت امور جهانی است.

بانک توسعه جدید نشانه تحول در نظام پولی و مالی بین‌المللی است. مشخصه این بانک در بینش و هدفگذاری جهانی آن لحاظ شده و همه نهادها و دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی را مخاطب همکاری قرار داده است. برجستگی آن در رویکرد شاخه‌ای و تکاملی بانک است تا مشکلاتی که نهادهای موجود حل نکرده‌اند و طول کشیده است، به شکل و روشی بهتر چاره‌جویی کند. هر مشکلی از این طریق حل شود موفقیتی برای بریکس و بانک توسعه جدید خواهد بود. به عبارت دیگر، از نظر دولت‌های مؤسس، این بانک نه نهادی موازی است و نه نظمی تقابلی را در پیش گرفته است، بلکه بر اساس رویکردی خلاق (با ظرفیت‌های و احساس وظیفه) خواهان حل مشکلات، بحران‌ها و کاستی‌های نهادهای موجود بین‌المللی است تا بستری برای تسهیل دسترسی کشورهای در حال توسعه به فرصت‌ها و منابع چندجانبه باشد. بانک توسعه جدید بریکس، نهادی مالی و اقتصادی نوپدید است. هنر و نوآوری مؤسسان این بانک در عقلانیت و راهبرد کارکردی آن جاری است.

##### ۵. ۱. عقلانیت نهادی؛ تکامل شاخه‌ای و بسط نظم

عقلانیت نهفته در ایجاد بانک به الگوی بسط‌محور، شاخه‌ای‌شدن و تکامل رفتاری به توسعه اقتصادی بین‌المللی است. نگرش بریکس و بانک توسعه جدید چندلایه است. این نگرش هم لایه انتقادی، هم لایه پیشگیری از بروز مشکلات بعدی دارد؛ همچنین، با برنامه‌های مختلف توسعه در اقتصادهای ضعیف، غیرصنعتی و کم‌توسعه‌یافته لایه پیوستگی دارد. کشورهای غربی و توسعه‌یافته به این راحتی حاضر به در اختیار گذاشتن منابع خود به کشورهای رقیب و ضعیف نیستند. قدرت‌های نوظهور هم در صدد برآمدن به تجمیع منابع و بهبود برنامه‌های توسعه اقتصادی بپردازند تا موضع و کیفیت عملکرد خود را ارتقا دهند. پنج قدرت نوظهور با تشریک مساعی و اندیشه‌های نو برای کسب موقعیت و ایفای نقش در سیاست بین‌المللی اراده‌ای جمعی را به نمایش گذاشته‌اند. نگرش پایه‌ای و انتقادی این ائتلاف اقتصادی-سیاسی اصلاح نظام اداره امور بین‌المللی در جهت منافع مشترک خود با اعضای دیگر جامعه بین‌المللی است. عصاره عقلانیت نهادی

بریکس به طور اعم، و بانک توسعه جدید به طور اخص، عبارت است از ظرفیتی نو برای حل کم هزینه مشکلات انباشته شده جهانی. اراده و قدرتی که مصروف این راهبرد و دیپلماسی کلان شده است در راستای بهبود چندجانبه گرایی و تعدیل تکساحتی بودن نظم مسلط و چیرگی الگوی لیبرالی آمریکایی است. این ظرفیت جدید بین المللی به طور شاخه ای و تکاملی در خدمت توسعه، همکاری و صلح جهانی منصفانه تر و فراگیرتر از الگوی آمریکایی تبیین و تبلیغ می شود. اهداف بنیادین در نظر گرفته شده در ضرورت و مشروعیت بانک توسعه جدید به طور خلاصه عبارت است از:

- همکاری در بهسازی و توسعه زیرساختها در کشورهای عضو
  - مساعدت در انجام دادن طرحهای مختلف کشورهای عضو در راستای مقابله با تغییرات اقلیمی
  - حمایت از اقتصادهای در حال ظهور و تقویت مبادلات جنوب-جنوب
- (NDB, 2017).

از طرف دیگر، عقلانیت نهادی در تشکیل بریکس و نهادهای مرتبط با آن در مسیر اصلاح متناسب، بهبود منابع و توانمندیهای کشورهای در حال توسعه با الزامهای رفتاری بهتر در مقایسه با سیاستهای تحمیلی و مشروط کردن بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است؛ هر چند که کار و همکاریهای درون این بانک باید با اصول و منطق اقتصادی و توسعه ای هم همراه باشد، مثل شفافیت و مسئولیت پذیری. اهتمام به امور زیرساختها و مقتضیات شرایط اقلیمی منطقی و مطابق با عقل سلیم اقتصاد سیاسی هر دولتی است که ادعای حکمروایی دارد. هر کدام باید در حد توان تلاش کنند تا مشکلات ملی آغشته به مشکلات جهانی را با همکاری، هم بستگی، شفافیت و مسئولیت پذیری مدیریت کنند. ذات خواسته های نهادهای اقتصادی و مالی بین المللی هم شاید همین بوده ولی نظم مسلط غربی به درستی با آنها همراهی نکرده است. همین نکته ها و ضرورتها برای بریکس و بانک توسعه جدید ایجاد انگیزه کرده است تا آن را اجرایی کنند. پس این نگرش، در راستای اصول و منطق بهسازی الگوی اقتصاد سیاسی کشورهاست و از این بازسازی و بهسازی در ساختارها و زیرساختهای اقتصادی گریزی ندارند. در عین حال، رژیمهای مسلط بین المللی هم باید بسط یابند و بهسازی شوند.

یکی دیگر از عناصر عقلانیت نهادی در بانک توسعه جدید ساختار آن است.

در سطح نخست، میزان سهم و جایگاه خود کشورهای مؤسس است. مهم‌ترین موضوع سهم و حق رأی در این بانک است. حق رأی در بانک، بر اساس میزان سرمایه اعضا نزد بانک است، با این توضیح که سرمایه مجاز اولیه بانک ۱۰۰ میلیارد دلار تعیین شد که به ۱ میلیون سهم، هر یک به ۱۰۰ هزار دلار، تقسیم می‌شود. سرمایه پذیرفته‌شده را اعضای مؤسس به مبلغ ۵۰ میلیارد دلار پرداخت می‌کنند؛ یعنی، ۱۰ میلیارد دلار برای هر عضو (مؤسس). به هر یک از این اعضای مؤسس سهام مساوی در سرمایه پذیرفته‌شده اختصاص می‌یابد که ۱۰۰ هزار سهم به‌ازای هر عضو به ارزش ۱۰ میلیارد دلار است. هر کدام از این اعضا ۲۰ درصد از کل سهام را در اختیار دارند (NDB, 2023). برخی متفکران این اصل برابری را ابتکار روندی برای بانک و مزیتی بین‌المللی و نهادی در برابر سایر نهادها می‌دانند (Cooper, 2017: 276-277). مقرر شده است که هر ۵ سال یک‌بار برای تعدیل در سهمیه اعضا، بر اساس موقعیت اقتصادی در توسعه و تحول اداری آن‌ها، میزان سهمیه تغییر کند. نکته دیگر اینکه سهمیه‌های اعضای جدید نباید موقعیت کشورهای مؤسس را به کمتر از ۵۵ درصد از مجموع قدرت رأی کاهش دهد. این امتیاز پنج کشور مؤسس است (NDB, 2023).

## ۵.۲. مجذوبیت کارکردی

تولید و تحول قدرت در سیاست بین‌المللی به تغییر محورها و مرجعیت‌ها سوق می‌یابد. به‌رسمیت‌شناساندن این مرجعیت و جذب سایرین در تحسین اهداف و آمال شگرف و ضروری بیان‌شده در قالب نهادی جدید، اوج این هنر دیپلماسی اقتصادی است. منظور از مجذوبیت کارکردی، یعنی جلب نظر و جذب سایر دولت‌ها و علاقه‌مندان به مشروعیت تلاش‌های ضروری در راه بهره‌گیری از فرصت جدید و گرایش به همکاری، هم‌نوایی و عضویت در این نهاد و رویکرد نوین است. کنشگران و ناظران بیرونی از منظر و موقعیت خود مقبولیت اهداف و مطلوبیت ابزارهای هر نهاد نوپدید را بررسی می‌کنند. علاوه بر نکات و ملاحظات سیاسی در فضای دیپلماتیکی میان دولت‌ها، اصالت و وجاهت بایدها و نبایدهای عرضه‌شده در قالب نهادی بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد.

منطق افق‌ها و آرمان‌ها اگر با محاسبات اقتصاد سیاسی و حکمروایی دولت‌ها انطباق داشته باشد، بی‌تردید اقبال و تقاضا به این نگرش و نهاد هم‌افزایش می‌یابد. البته، این قانون عرضه-تقاضا در بریکس و بانک توسعه جدید، به‌علت آمیختگی با سوگیری‌های سیاسی، الگوی خاص خود را دارد و خواهد

داشت. اما نکته این است که به علت ترکیب نیازهای ملی و الزام‌های محیطی در روند توسعه کشورها و نوآوری نسبت به آنها، انتظار می‌رود که بانک بریکس از جذابیت بیشتری برخوردار شود. مهم‌ترین نکته در جذابیت این بانک اجتناب از مداخله و فشار سیاسی کشورهای مؤسس در شرایط داخلی کشورهای دیگر و جداکردن این مسائل از کارکردهای فنی و اقتصادی است. احترام به نیازها و ارزش‌های کشور وام‌گیرنده مهم است (Wang, 2017: 116). این مزیت برای کشورهای مایل به عضویت در آن، فوق‌العاده مهم است. با این وصف، خالی از لطف نیست که بحث جذابیت کارکردی را در دو قسمت مبنایی و فنی، اندکی بیشتر بشکافیم.

#### ۵.۲.۱. منطق مبنایی و رفتاری

اهداف اصولی بانک توسعه جدید سه بعد مهم، مبرم و کارساز برای تحول در اقتصاد و توسعه کشورهای عضو را در نظر می‌گیرد. برنامه‌ریزی و تلاش برای رسیدن به هریک از این اهداف به قدر کافی مشروعیت و مقبولیت اقتصادی-اجتماعی به همراه دارد که نه تنها برای جامعه بین‌المللی جلب توجه می‌کند، بلکه برای جوامع ملی مایل به این آرمان‌ها هم ایجاد جذابیت می‌کند. این اهداف در راستای اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی سازمان‌های بین‌المللی جهان شمول قرار می‌گیرد و بر آن تأکید می‌شود. این جذابیت کارکردی مغتنم برای تقویت ظرفیت‌های ملی کشورها در حل مشکلات متعددشان گامی سازنده محسوب می‌شود، به شرطی که اعضا از این فرصت به خوبی استفاده کنند. طبق آمار و گزارش‌های جهانی، مشکلاتی چون آلودگی‌های محیط‌زیستی در دهه‌های اخیر بسیار قابل توجه بوده و سهم کشورهای توسعه‌یافته و در حال ظهور چشمگیر است. به گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، سهم کشورها در تولید دی‌اکسید کربن افزایش یافته و متنوع شده است؛ در این میان نقش چین، هند، روسیه و کشورهای در حال توسعه در روندهای مخرب محیط‌زیست به نسبت زیاد است و باید چاره‌جویی کنند.

به این ترتیب، کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور راه سختی در پیش دارند. بانک هم اهداف و اولویت‌های اساسی برای خود قائل است. این اولویت‌های موضوعی در سیاست‌های بانک توسعه جدید عبارت است از:

- کمک به استفاده از انرژی‌های پاک
- اهتمام به ارتقای زیرساخت‌های حمل‌ونقل که ارتباط میان مردم، بازارها و

- خدمات را افزایش دهد
- اهتمام به مدیریت آبیاری، منابع آبی و بهداشت
  - اهتمام به توسعه شهری پایدار
  - اهتمام به حمایت از همکاری و هم‌گرایی اقتصادی (NDB, 2017).
  - اهتمام به ارتقای زیرساخت‌های اجتماعی
  - اهتمام به زیرساخت‌های رقومی (دیجیتال) (NDB, 2024).

جدول ۱. سهم درصدی کشورها و مناطق در تغییرات اقلیمی

کشورها و مناطق	انتشار دی‌اکسیدکربن (۱۸۵۰-) (م۲۰۲۱)	گرم‌شدن زمین (۱۸۵۰-) (م۲۰۲۱)	انتشار گازهای گلخانه‌ای (م۲۰۲۱)	جمعیت فعلی
۱ چین	۱۳	۱۲	۳۰	۱۸
۲ ایالات متحده آمریکا	۱۹	۱۷	۱۱	۴
۳ اتحادیه اروپا (۲۷)	۱۳	۱۰	۷	۶
۴ هند	۴	۵	۷	۱۸
۵ روسیه	۵	۶	۵	۲
۶ سایر گروه ۲۰	۲۵	۲۲	۱۸	۱۴
۷ سایر مناطق	۱۶	۲۱	۱۸	۲۴
۸ کشورهای کمتر توسعه‌یافته	۴	۶	۳	۱۴

Source: UNEP, 2023

بانک توسعه جدید اهداف و اولویت‌های جذابی را در دستورکار قرار داده است که کشورها و جامعه بین‌المللی با آن درگیر هستند. اگر اغراق نباشد، این اولویت‌ها برای همه کشورهای جهان جزو دغدغه‌های اصیل و اولویت‌دار در راهبردهای سیاستگذاری توسعه هستند. بانک توسعه جدید نیز در بیان این عقلانیت و دغدغه‌ها ابتکار و اقدام‌های خود را معرفی کرده است. چنین مشکلاتی مبتلابه کشورهای با اقتصاد ضعیف و در حال توسعه است. کشورهای مؤسس قدرت‌های نوظهوری هستند که خود در همه این زمینه‌ها مشکل و نگرانی دارند، چه برسد به کشورهای ضعیف‌تر که به‌مراتب آسیب‌پذیرتر هستند. پنج کشور مؤسس بانک، مشکلات متنوعی در انواع زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی خود دارند، از جمله جمعیت زیاد، درصد اشتغال، درآمد مکفی، تا معضل مسکن،

بهداشت، خدمات شهری و آلودگی‌های محیط‌زیستی که جنبه بحرانی پیدا کرده است. طبق آمارهای جدید، مراکز کشورهای مختلفی گرفتار آلودگی شهری و سایر مشکلات هستند.

#### ۲.۲.۵. ملاحظات فنی-سازمانی

کارکرد عرضه خدمات از وظایف اصلی نهاد است. سازوکار عرضه مساعدت‌ها و تأمین مالی از سوی بانک به کشورهای عضو را می‌توان در چند محور زیر ملاحظه کرد:

- مساعدت در دادن وام‌های مربوط به طرح‌های اقتصادی
- مشارکت در دادن وام‌های مشارکتی (سندیکایی)
- مساعدت در دادن ضمانت‌ها برای اجرای طرح‌های اقتصادی
- مساعدت در سرمایه‌گذاری در طرح‌ها با دراختیار گرفتن بخشی از سهام طرح‌ها
- مساعدت در عرضه کمک‌های مشاوره‌ای و فنی-اجرایی
- مساعدت در مدیریت ریسک طرح‌ها. بر همین مبنا، بانک به دولت‌های عضو خدمات مختلفی می‌دهد، به شرطی که کشورهای متقاضی قواعد و موازین متعارف را رعایت و عملیاتی کنند از جمله:
- هم‌سویی پروژه‌ها با موازین بنیادین بانک
- الزام به سیاست‌های انطباقی با موازین حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار
- داشتن توجه مالی، بهره‌وری و صرفه اقتصادی
- حسن سابقه در مدیریت اجرایی و مالی پروژه
- تضمین توانایی در بازپرداخت وام (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۲: ۱۱-۲۷).

#### جدول ۲. آلوده‌ترین شهرهای جهان در سال ۲۰۲۳ م

شهر	شهر	شهر	شهر
۱ دمام، عربستان	۹ هاپور، هند	۱۷ خرمشهر، ایران	
۲ لاهور، پاکستان	۱۰ پیشاور، پاکستان	۱۸ جایپور، هند	
۳ داکا، بنگلادش	۱۱ لکنو، هند	۱۹ شیان، چین	
۴ دهلی، هند	۱۲ لندن شرقی، آفریقای جنوبی	۲۰ کلکته، هند	
۵ مظفرآباد، هند	۱۳ پوخارا، نپال	۲۱ آن‌یانگ، چین	
۶ بغداد، عراق	۱۴ منامه، بحرین	۲۲ شین‌شیانگ، چین	
۷ قاضی‌آباد، هند	۱۵ چان‌دیگار، هند	۲۳ کامپالا، اوگاندا	
۸ پاتنا، هند	۱۶ حوالی، کویت	۲۴ شوچانگ، چین	

Source: Smartair, 2023

اقدام‌های تأمین مالی و کمک‌های فنی بانک در کشورهای عضو به تدریج و پس از درخواست کشورهای متقاضی جریان پیدا کرده است. این بانک طبق آمارهای خود از سال ۲۰۱۶م تا اوایل سال ۲۰۲۴م برای ۹۶ طرح به ارزش ۳۲/۸ میلیارد دلار پرونده کار و همکاری باز کرده است. برخی طرح‌های مصوب به‌انجام رسیده است و بسیاری هم در حال انجام است.

جدول ۳. طرح‌های اقتصادی بانک در کشورهای عضو

کشورهای عضو	تعداد طرح‌های موضوع همکاری با بانک
۱ چین	۲۹
۲ روسیه	۱۸
۳ هند	۳۱
۴ برزیل	۲۹
۵ آفریقای جنوبی	۱۴
۶ بنگلادش	۱

Source: NDB, 2022

جدول ۴. موضوع‌های طرح‌های بانک بریکس در کشورهای عضو

موضوع طرح‌های اقتصادی-اجتماعی	تعداد
۱ زیرساخت‌های حمل‌ونقل	۴۸
۲ انرژی پاک و کارآمد	۱۵
۳ آب و آبیاری	۲۴
۴ حمایت از محیط‌زیست	۴
۵ زیرساخت‌های اجتماعی	۵
۶ زیرساخت‌های رقومی	۱
۷ طرح‌های چندمنظوره	۱۹
۸ کمک‌های کووید-۱۹	۱۲

Source: NDB, 2022.

### ۵.۳. جذب و گسترش خوشه‌ای (منطقه‌ای)

عقلانیت نهادی و کارکردی بانک توسعه جدید برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته جذاب و قابل تأمل است. در سال ۲۰۲۱م، بانک توسعه جدید سه کشور بنگلادش، مصر و امارات متحده عربی را به عضویت پذیرفت و مذاکره برای مساعدت در انجام دادن طرح‌های مورد نیاز در این کشورها را در برنامه خود قرار داد. مذاکرات الحاق و عضویت کشور اروگوئه هم در مراحل



تکمیلی و نهایی است. کشورهای جدیدی هم که از سال ۲۰۲۴م به عضویت بریکس درآمدند در این روند اهمیت خود را دارند. بانک اعلام کرده است که تنوع مناطق را در جذب اعضای جدید لحاظ کرده است. بنابراین، انتظار می‌رود این اقبال و جذب به مرور بیشتر شود. تأکید اصلی بر کیفیت اقدام‌ها و طرح‌های اجرایی است، ولی کمیت اعضای بریکس و بانک هم بر اهمیت اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی این مجموعه خواهد افزود.

بنگلادش جزو کشورهای کمتر توسعه‌یافته است که شاید در آینده نزدیک (شاید ۲۰۲۶م) از این فهرست خارج شود. این کشور طبق نظر نهادهایی مثل صندوق بین‌المللی پول، با موانع و مشکلات مختلف ساختاری و سیاستی مواجه هست. لزوم تغییر و تعدیل در سیاست‌های پولی و مالی باید جدی گرفته شود تا آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و توسعه کاهش پیدا کند. اصلاح شیوه‌های حکمروایی و چارچوب‌های مقرراتی برای ثبات مالی ضرورت دارد. موقعیت جغرافیایی بنگلادش به گونه‌ای است که باید برای تغییرات اقلیمی و کاهش آسیب‌پذیری‌های موجود، سیاست‌های بهبود زیرساخت‌ها و بالابردن تاب‌آوری اقتصادی را سرعت و کیفیت بخشد (IMF, 2023a).

کشور مصر که عضو این بانک شده است اوضاع اقتصادی و اجتماعی معمولی و شکننده‌ای دارد. در آخرین گزارش از نگاه صندوق بین‌المللی پول درباره مصر، این کشور باید از نظر پولی و مالی به اصلاحات بپردازد. تعمیق و گسترش اصلاحات ساختاری در این کشور ضروری است. با توجه به تحولات اقتصاد جهانی و انطباق با نظام توسعه باید به اقدام‌های ساختار اداری در جهت شفافیت و ناترازی‌های پولی بیشتر توجه شود. روی آوردن به اقتصاد سبز فشارهای محیط‌زیستی را کاهش می‌دهد و فرصت‌های جدیدی برای رشد اقتصادی مصر فراهم می‌کند. بنابراین، این کشور باید در اقتصاد سیاسی و نقش دولت جرح و تعدیلی به سمت روشن و روان‌بودگی اتخاذ کند (IMF, 2021).

کشور امارات متحده عربی، علی‌رغم اقتصاد پویا و توانمند در منابع طبیعی و رشد و تحول اقتصادی، باید برای تداوم اصلاحات ساختاری، اجتناب از تبعات تورم بالا، تقویت پایداری درازمدت امور مالی در رشد اقتصادی، اجتماعی و فناوری تلاش کند. همچنین، برای نیل به افق ۲۰۵۰م در حوزه محیط‌زیست و چالش‌های تغییرات اقلیمی تلاش کند، چون سرعت و دقت سیاست‌های رسیدن به کربن کمتر آرام است (IMF, 2023b).

کشورهایی مثل ایران و عربستان شاخص‌های متوسط و روبه‌رشدی دارند، به شرطی که با تحول در ساختارها، برنامه و الگوهای عملکرد اقتصادی-توسعه‌ای با این اهداف و اولویت‌ها بتوانند جهشی در موقعیت مثبت خود بدهند. یکی از نکات مهم، گسترش خوشه‌ای بانک توسعه جدید در ابعاد منطقه‌ای است که دفاتر و مراکز منطقه‌ای آن به تدریج شکل گرفته است. دفتر منطقه‌ای ژوهانسبورگ از سال ۲۰۱۷م، در آفریقای جنوبی برای آفریقا، دفتر منطقه‌ای در سائوپائولوی برزیل برای آمریکای لاتین در سال ۲۰۱۸م، و دفتر منطقه‌ای بانک توسعه جدید در اوراسیا در نوامبر ۲۰۱۹م را تصویب کرد. با درخواست تأسیس دفتر منطقه‌ای در هند هم برای آسیای جنوبی هم برای هند موافقت شد. این نهاد و نهادینه‌سازی برای بانکی با الگوی بریکس مهم است (Hooijmaaijers, 2022: 487).

بانک توسعه جدید در نخستین راهبرد عمومی خود همکاری و مشارکت با بخش خصوصی، بانک‌های بین‌المللی و بانک‌های توسعه و تجاری کشورها را هم در دستور کار خود قرار داده است. برخی طرح‌های اجراشده در کشورهای عضو را با عاملیت و همکاری بانک‌های داخلی تعریف و اجرا می‌کنند. مدیریت و تجمیع منابع بخش خصوصی نیز برای مشارکت در طرح‌های اقتصادی از اولویت‌های بانک توسعه جدید است (NDB, 2022: 17-18). این بانک دومین راهبرد عمومی (۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶م) خود را برای سال‌های پیش‌رو با تحول‌آفرینی در متغیرهای متنوعی به منظور رشد و توسعه منابع مالی- اعم از دولتی و خصوصی؛ مدیریت طرح‌ها با استانداردها و کیفیت‌های بالا؛ اصول مشارکت، شفافیت و تسهیلات سازمانی؛ الزام‌های فناوری، اجتماعی و محیط‌زیستی- با دقت بیشتری پیگیری می‌کند. این چشم‌انداز راهبردی در بانک، نوید اقدام‌های مؤثر و سازنده‌ای است که کشورهای عضو هرکدام بنابر عقلانیت و برنامه‌های خود می‌توانند بیشترین بهره‌برداری را بکنند. به‌ویژه فشار و مجادلات نهادهای جریان اصلی مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را هم که ندارند، باید نتایج بهتری بگیرند. این همکاری و رقابت اصولی است و شرایط دلخواه و خودخواهانه دولت‌ها دیگر محلی از اعراب ندارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

سال ۲۰۱۴م هفتادمین سالروز تأسیس صندوق بین‌المللی پول بود. هم‌زمان بانک

توسعه جدید از سوی پنج قدرت نوظهور به مثابه نهاد و نمادی نو در بستر اقتصاد سیاسی بین‌المللی تأسیس شد. رشد و توسعه همه‌جانبه برای بسیاری از کشورهای جهان همچنان آرمانی دور و دراز است. هرچند نهادهای اقتصادی بین‌المللی، نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از دهه‌های گذشته برای نظم، ثبات و تسهیل توسعه به سیاست‌گذاری و اقدام پرداخته‌اند، هنوز کشورهای در حال توسعه با الگوی تغییر و منویات این نهادها مشکل دارند. بریکس یکی از پدیده‌های نوظهور در معماری اقتصاد سیاسی بین‌المللی است که برای ایجاد فضایی به‌منظور بهبود امور جهانی، مقابله با بحران‌های کوچک و بزرگ مرتبط با عدم توسعه‌یافتگی، انگیزه‌سازی برای همکاری‌های چندجانبه و پرکردن شکاف توسعه میان کشورهای شمال-جنوب شکل گرفت. این تشکل سیاسی-اقتصادی از منظر مناسبات بین‌المللی به‌شدت محل توجه سیاستمداران و پژوهشگرانی بوده است که در برابر نظم و ترتیبات اقتصادی غرب‌محور توانمندی‌ها و ترتیباتی را برای همکاری عرضه می‌کنند.

بانک توسعه جدید بریکس یکی از نهادهای نوپدید در روابط بین‌الملل است. مبانی، اصول و قواعدی که این بانک سرلوحه کار خویش قرار داده است، از منظر اقتصاد سیاسی بین‌المللی محل بحث و بررسی‌های پژوهشگران، سیاستمداران و حتی متخصصان راهبردی است. سؤالی که ما در این مقاله مطرح کردیم این بود که بانک توسعه جدید بر مبنای کدام عقلانیت، انگیزه‌ها و اولویت‌هایی به ایفای نقش در نظام اقتصادی-مالی بین‌المللی پرداخته است؟ در پاسخ بیان شد که بانک توسعه جدید بر مبنای عقلانیت نوآوری تکاملی (با الگوی پویش قدرت-حق-وظیفه-اثرگذاری) در نظم جریان اصلی، برای کمک به حل مشکلات جهان در حال توسعه، اولویت‌های مبرم و بحران‌خیز (از جمله زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی و آثار تغییرات اقلیمی) در جهان جنوب به ایفای نقش و تولید جذابیت پرداخته است. برای توصیف و تفسیر این تحولات و شرایط به استفاده از چارچوب نهادگرایی مبادرت کردیم. نهادهای نوپدید چاره‌جویی برای محیط پرریسک و عدم قطعیت در فضای رقابت‌های پیچیده میان دولت‌ها، با دیپلماسی تدارکاتی و سپس نهادسازی پا به عرصه بین‌المللی می‌گذارند.

در پرتو الگوهای پیوند میان متغیرهای قدرت‌ساز در عرصه بین‌المللی، نهادها و رژیم‌های بین‌المللی شکل می‌گیرند و به‌مرور زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. ایجاد نهادهای جهانی، بین‌منطقه‌ای و منطقه‌ای مستلزم مقادیر

قابل توجهی قدرت در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی (اطلاعاتی- نظامی) است. قدرت‌های بزرگ با استفاده از توانمندی‌ها، انگیزه، اراده و راهبردهای خود در جهت نقش‌آفرینی بهینه در عرصه بین‌المللی با یکدیگر رقابت سخت و نرم می‌کنند. برایند این رقابت‌ها در روندی از تعامل و تقابل نیروهاست که محتوای نظم و مسیر حرکت و مناسبات کنشگران را به‌منظور دستیابی به اهداف و منافع مشخص می‌کند. هر کدام از ساختارهای نظام بین‌الملل دوقطبی، چندقطبی، هژمونیکی، موازنه قدرت و سایر نمونه‌ها این فضا را به‌نوعی برای نهادهای بین‌المللی مهیا و مقدور می‌کند. این کنش و واکنش‌های متداخل و چندوجهی اقدام‌های هم‌گرایانه و واگرایانه‌ای را موجب می‌شود که صیوررت نهادهای بین‌المللی را به‌دنبال دارد. یکی از مسیرها در این روند شاخه‌ای شدن نظم بنیادین مثل نظام پولی و مالی بین‌المللی است. از درون نظم و بنیان برتون وودز، شاخه بریکس و بانک بریکس جوانه زده است. مؤلفه‌های قدرت در مؤسسان بریکس، احراز حق و نوآوری برای نهادسازی، تبلیغ احساس وظیفه برای عرضه خدمات جمعی یا کالای عمومی و بالاخره تأثیرگذاری بر موقعیت‌ها، نقش‌ها و معادلات جهانی، نظام این نوآوری نهادی است. این قبض و بسط مادی معنایی خود حاوی تکامل است.

توضیح داده شد که هم‌افزایی قدرت و اقدام واضعان بریکس و بانک توسعه جدید در عقلانیت نهادی آن که تکاملی است، مبتنی بر حل مشکل و تعادلیابی جدید در رقابت‌های سیاسی-اقتصادی بین‌المللی است. مجذوبیت کارکردی بانک توسعه بنیان دیگر بحث بود که در سامان موضوعی مفهومی این مقاله به‌کار گرفته شد. به سخن دیگر، انگیزه و اولویت‌های توسعه در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، اهتمام به دغدغه‌های محیط‌زیستی و تغییرات اقلیمی برای کمک به نیازها و علاقه کشورهای در حال توسعه از عناصر این مجذوبیت کارکردی بانک است. منطق و الگوهای همکاری در چارچوب قواعد این بانک، زمینه جذب و گسترش خوشه‌ای کشورهای جدید از مناطق مختلف جهان می‌شود و روند گسترده‌ای خواهد داشت. نهادهای این‌چنینی در نظم جاری در پی نوآوری، نمادسازی، بسط چارچوب همکاری‌ها و مجذوبیت برای کشورهای جنوب هستند. پاسخگویی به نیازهای مهم کنشگران و لزوم بسیج منابع در کمک به تسهیل دسترسی به منابع مالی و فنی از مهم‌ترین مطالبات گفتمان انتقادی در اقتصاد سیاسی بین‌المللی است که بانک توسعه جدید نماد و نوید آن شده است.

کشورهای بنگلادش، مصر، امارات متحده عربی عضو این بانک شده‌اند. اروگونه در مسیر پایان توافق‌های الحاق است و کشورهای دیگری هم به این مجموعه افزوده خواهند شد. اگر در هر یک از این کشورها از این طریق گامی سازنده در مسیر اهداف اقتصادی و اصول توسعه برداشته شود، بر ادراک و الگوهای رفتاری دیگر کنشگران اثرگذار خواهد بود. این عقلانیت و جذابیت از مسیر نهادگرایی به تعدیل در نگرش و سیاست‌های کنترلی غرب و قدرت‌های صنعتی منجر می‌شود. مسیر تلاش و تعادل‌یابی در معادلات جهانی بسیار فرازونشیب خواهد داشت، اما از نظر نمادین و ابتکار توسعه‌ای هم که باشد، قدرت‌های مؤسس بریکس و بانک توسعه جدید تلاش دارند تا با عملکرد مثبت و سازنده خود در این نهادها و ساختارها این بافت برجسته را در نقش و نظام اقتصادی مالی بین‌المللی خوش‌رنگ‌تر رقم بزنند و قدرت رقابتی و مدیریتی خود را تثبیت کنند.

### تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

### اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است.

### دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مکاتبه فرمایید.

### منابع

- قاسمی، ف. (۱۴۰۲). *قدرت و سیاست بین‌الملل*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمی حر، موسوی شفائی م، اسلامی م. (۱۳۹۸). «نهادسازی موازی گامی در جهت گذار صلح‌آمیز نظم بین‌الملل (زنجیره ارزش چین‌محور در برابر نظم آمریکایی)». *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*. ۲(۲): ۳۶۷-۳۹۴. doi: <https://doi.org/10.22126/ipes.2020.4712.1198>
- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۲). *بانک توسعه جدید: ساختار، کارکرد و چشم‌انداز عضویت ایران (دیپلماسی اقتصادی ایران)*.

<https://otaghiranonline.ir/UFFiles/Docs/2023/8/23/Doc20230823083343612.pdf> (دسترسی:

۱۲ آذر ۱۴۰۲).

موسی‌زاده ر، خسروی ب. (۱۳۹۴). «بریکس و نهادسازی بین‌المللی». *فصلنامه سیاست خارجی*.

۲۹(۴): ۱۱۱-۱۴۵

میرترابی س، قربانی شیخ‌نشین ا، منوری ع، خزایی ا. (۱۴۰۲). «نقش کمک خارجی چین در خیزش اقتصادی این کشور در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۱». *مطالعات اقتصاد سیاسی*

بین‌الملل. ۶(۱): ۲۸۹-۳۱۹. doi: <https://doi.org/10.22126/ipes.2023.8764.1547>

نوروزی ح. (۱۳۸۷). «اقتصاد جهانی و دیپلماسی کشورهای در حال توسعه: ظرفیت‌های پردازش گفتمانی و قاعده‌سازی». *پژوهشنامه دیپلماسی اقتصادی*. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

Aleksia C, Bakhtiar AR. (2023). "BRICS as new alternatives in reforming international financial institutions and economic partnerships. *Insignia Journal of International Relations*. 10(2): 128-143.

Almeida ThF, Silva RL. (2018). The Development Bank of BRICS. *BRICS Law Journal*. 5(4):5-32.

Bordo M, James H. (2000). "The international monetary fund: It's present role in historical perspective. *National Bureau of Economic Research*. Working Papers 7724. <https://www.nber.org/papers/w7724>. (Accessed on: 25/12/2023)

Boughton JM. (2001). *Silent Revolution: The International Monetary Fund, 1979-1989*. Washington DC: International Monetary Fund, Publication Services.

BRICS (2023). "BRICS and Africa: Partnership for mutually accelerated growth, sustainable development and inclusive multilateralism". <https://web.archive.org/web/20091007151833/http://www2.goldmansachs.com/ideas/brics/building-the-world.pdf>. (Accessed on: 03/01/2024)

Cooper AF. (2017). "The BRICS' New Development Bank: Shifting from material leverage to innovative capacity". *Global Policy*. 8: 3. doi: 10.1111/1758-5899.12458.

Duggan N, Ladines A, Juan C, Marek R. (2022). "The structural power of the BRICS (Brazil, Russia, India, China and South Africa) in multilateral development finance: A case study of the New Development Bank". *International Political Science Review*. 43(4): 495-511. doi: 10.1177/01925121211048297.

Hochstetler K. (2014). "Infrastructure and sustainable development goals in The BRICS-Led New Development Bank". *Policy Brief*. 46. <http://www.cigionline.org/>.

Hooijmaaijers B. (2022). The internal and external institutionalization of the BRICS countries: The case of the New Development Bank". *International Political Science Review*. 43(4): 481-494. doi: 10.1177/01925121211024159.

IMF. (2023a). IMF Country Report No. 23/409, Article IV Consultation, First Reviews under the Extended Credit Facility Arrangement, Arrangement under the Extended Fund Facility, and the Resilience and Sustainability Facility Arrangement, Bangladesh. <https://www.imf.org/en/Publications/CR/Issues/2023/12/13/Bangladesh-2023-Article-IV-Consultation-First-Reviews-Under-the-Extended-Credit-Facility-542460>. (Accessed on: 22/01/2024)

IMF (2023b). *United Arab Emirates: 2022 Article IV Consultation-Press Release; and Staff Report*. IMF Country Report No. 23/223. <https://www.imf.org/en/Publications/CR/Issues/2023/06/22/United-Arab->

- Emirates-2022-Article-IV-Consultation-Press-Release-and-Staff-Report-535073. (Accessed on: 21/01/2024)
- IMF. (2021). *Arab Republic of Egypt. 2021 Article IV Consultation, Second Review Under the Stand-By Arrangement-Press Release; Staff Report; and Statement by the Executive Director for the Arab Republic of Egypt*, IMF Country Report No. 21/163. <https://www.imf.org/en/Publications/CR/Issues/2021/07/22/Arab-Republic-of-Egypt-2021-Article-IV-Consultation-Second-Review-Under-the-Stand-By-462545>. (Accessed on: 11/01/2024)
- IMF (October 2018). “A Decade after the Global Financial Crisis: Are We Safer?”. *Global Financial Stability Report*. Washington: International Monetary Fund, Publications Services.
- Keohane RO. (1988). “International institutions: Two approaches”. *International Studies Quarterly*. 32(4): 379-39.
- Martin LL, Simmons BA. (1998). “Theories and empirical studies of international institutions”. *International Organization*. 52(4): 729-757.
- Ming L. (2016). “BRICS development: A long way to a powerful economic club and New International Organization”. *The Pacific Review*. 29(3): 443-453. doi: 10.1080/09512748.2016.1154688.
- NDB: New Development Bank. (2022). *New Development Bank General Strategy for 2022–2026; Scaling up Development finance for a sustainable Future*. [https://www.ndb.int/wp-content/uploads/2022/07/NDB\\_StrategyDocument\\_Eversion-1.pdf](https://www.ndb.int/wp-content/uploads/2022/07/NDB_StrategyDocument_Eversion-1.pdf). (Accessed on: 10/01/2024)
- (2017). *NDB’s General Strategy: 2017-2021*. <https://www.ndb.int/wp-content/uploads/2017/08/NDB-Strategy.pdf>. (Accessed on: 06/01/2024)
- Noroozi H. (2021). “China and the longing for making order; An insight toward the emergence and reliability of the AIIB”. *Journal of World Sociopolitical Studies*. 5(4): 691-730. <https://doi.org/10.22059/wsp.2022.336520.1266>.
- Sarkar R. (2016). “Trends in global finance: The New Development (BRICS) Bank”. *Loyola University Chicago International Law Review*. 13(2): 89-103. <https://lawecommons.luc.edu/lucilr/vol13/iss2/2>, (Accessed on: 23/12/2024).
- Smartair (2023). “Top 25 Cities with Worst Air Pollution (2023 Rankings)”. [smartairfilters.com/most-polluted-cities/2023](https://smartairfilters.com/most-polluted-cities/2023). (Accessed on: 01/02/2024).
- Stuenkel O. (2017). “New development banks as horizontal international bypasses: towards a parallel order?”. *American Journal of International Law*. 111: 229-230. <https://doi.org/10.1017/aju.2017.62>.
- UNEP (2023). “Emissions Gap Report 2023; Broken Record; Temperatures hit new highs, yet world fails to cut emissions”. UN: UNEP Publications.
- Wang H. (2019). “The New Development Bank and the Asian Infrastructure Investment Bank: China’s ambiguous approach to global financial governance”. *Development and Change*. 50(1): 221-244. doi: 10.1111/dech.12473.
- (2017). “New Multilateral Development Banks: Opportunities and challenges for global governance”. *Global Policy*. 8: 1. doi: 10.1111/1758-5899.12396.